

تبیین نقش اراده انسان در کنش تمدنی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی

* سید سعید روحانی
** محمد نصیری رضی
*** محمدرضا ابراهیم‌نژاد

چکیده

مقاله پیش‌رو پس از تبیین اراده انسان و بیان حقیقت وجودی آن، میان اراده انسان با اراده خداوند تفاوت ماهوی قائل است. مقاله حاضر می‌کوشد با بررسی آیات قرآنی و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای، به تبیین و بررسی چگونگی فرایند تأثیرگذاری اراده انسانی بر عملکرد انسان و جامعه تمدنی بپردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اراده خداوندی منشأ تمامی افعال انسانی بوده و اراده آدمی در طول اراده خداوند است. بنابر آموزه‌های اسلامی، اراده خداوند در عملکرد تمدنی انسان و نیز در کارآمدسازی دیگر عوامل انسانی و بهره‌مندی از عوامل طبیعی، نقش بسیاری دارد و عمده تأثیرگذاری آن مبتنی بر امور ذیل است: «حاکمیت اراده الهی»، «ولایت‌پذیری خدا»، «تقویت خودسازی، دیگرسازی و توانمندسازی»، «تغییر سرنوشت فردی و جمعی انسان‌ها» و «شناخت عناصر دخیل در تمدن».

واژگان کلیدی

اراده، عملکرد انسان، ساخت تمدن، مراحل شکل‌گیری اراده، تأثیر اراده در تمدن.

*. دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول) sr74948@yahoo.com
**. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران. nasiri.m@ut.ac.ir
***. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. ebrahimnejad@atu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۰

طرح مسئله

آموزه‌های دینی با چالش‌ها و شبهه‌های گوناگونی مواجه بوده و هست. یکی از این چالش‌ها، مسئله اراده است که یکی از مهم‌ترین موضوعات در قلمرو تفسیر، فلسفه و کلام به‌شمار می‌رود و از گذشته دور، اندیشه فیلسوفان و اندیشمندان و متکلمان اسلامی را درنور دیده است. این بحث بسیار دقیق انسان‌شناختی، زوایای مختلفی دارد که شناخت کم‌وکیف آن، از این نظر دارای اهمیت است که به راز نسبت اراده افعال و کردار آدمی با خالق مطلق پی برده می‌شود. از یک‌سو، اعتقاد به حاکمیت مطلق خدا و اینکه جز مشیت او، مشیت دیگری در جهان حکم‌فرما نیست، آدمی را به‌نوعی جبر بر کل هستی و از جمله خود انسان، معتقد می‌سازد. از دیگر سو، با توجه به امور حاکم بر زندگی آدمی (خشم، پشیمانی، گزینش، رجوع به وجدان و مباحث مرتبط با خدا مانند: وعده و وعید، ثواب و عقاب، امر و نهی، ارسال انبیا و فرستادگان الهی) به نظر می‌رسد که اعتقاد به اراده و اختیار، امری اجتناب‌ناپذیر باشد.

علاوه بر این، دوگونه تصویر از انسان در آموزه‌های قرآنی است. از یک‌سو انسان بسیار مورد ستایش قرار گرفته، نیکوترین اعتدال آفرینش از آن اوست. (تین / ۴) به‌گونه‌ای که عالی‌ترین مدح‌های قرآنی درباره اوست. (سجده / ۹ - ۷) خداوند آنچه در آسمان و زمین است برای او آفرید (بقره / ۳۴ - ۲۹) و او را جانشین خود در زمین قرار داد (بقره / ۳۰؛ انعام / ۱۶۵) و از آسمان و زمین و از فرشته برتر شمرد (بقره / ۳۴؛ اسراء / ۷۰) و توانایی تسخیر جهان و به خدمت گرفتن فرشتگان را دارد. (جاثیه / ۱۳؛ لقمان / ۲۰) از دیگر سو، انسان مورد نکوهش شدید قرار گرفته و حتی از دیو و چهارپایان پست‌تر شمرده شده است و قابلیت آن را دارد که به اسفل السافلین نیز سقوط کند. (تین / ۵) از منظر قرآن، انسانی که ستمگر و ستم‌پیشه، (احزاب / ۷۲؛ ابراهیم / ۳۴) سرکش و طغیانگر، (علق / ۶) نادان، (احزاب / ۷۲) ناسپاس، (اسراء / ۶۷؛ ابراهیم / ۳۴؛ زخرف / ۱۵؛ حج / ۶۶) مغرور، (انفطار / ۶) بخیل، (اسراء / ۱۰۰؛ معارج / ۲۱) آزمند، (معارج / ۱۹) شتابزده، (اسراء / ۱۱) مجادله‌گر (کهف / ۵۴) و عجز و لایه می‌کند است. (معارج / ۲۰)

با بیان این مختصر، سؤالی که قابل طرح است، اینکه چگونه می‌توان یک موجود واحد را با صفات متضاد توصیف نمود؟ چه عاملی سبب شده است که می‌توان بر مبنای آن انسان را در هر یک از حالات فوق توجیه نمود؟ جواب اصلی این سؤال، به اراده و به تبع آن، به اختیار آدمی برمی‌گردد و اینکه انسان اراده‌ای آزاد دارد و مختار آفریده شده است. (ر.ک: امیری، ۱۳۸۶: ۱۷۲ - ۱۷۱) از این رو می‌توان ادعا کرد که از میان عوامل انسانی مؤثر بر عملکرد و زمینه‌سازی ساخت تمدن، «اراده»

نقش بسیار اساسی در تمدن‌ها ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که می‌توان آدمی را عامل مسلط در تمدن نامید. بدین معنا، انسان منشأ و خاستگاه تمدن است و ویژگی اراده‌گرایی آدمی نیز، منشأ شکل‌گیری و ساخت تمدن به‌شمار می‌رود.

در این نوشتار سعی شده است در ابتدا اراده به‌صورت علمی و دقیق تبیین و تحلیل شود و در ادامه نشان داده شود که چگونه اراده می‌تواند در عملکرد تمدنی آدمی اثرگذار باشد. در تدوین این مباحث تا جایی که ممکن بود از آموزه‌های قرآنی در تحلیل و تبیین مباحث استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

درباره اراده و رویکرد قرآنی، کلامی، فلسفی و عرفانی آن تاکنون آثار خوبی به نگارش درآمده است. اما ناظر به نقش اراده انسانی با نگاه قرآنی و تأثیر تمدنی آن کارهای محدودی صورت گرفته که با این تحقیق تفاوت اساسی دارند. فهرست برخی از این آثار عبارت‌اند از:

مفهوم‌شناسی

۱. اراده

با توجه به اینکه اراده به‌عنوان مبدأ و منشأ افعال آدمی، دارای اهمیت به‌سزایی است، شناخت معنا و عوامل مؤثر در عملکرد تمدنی آدمی ضرورت دارد. اراده مصدر باب افعال، از ماده «رَوَدَ» گرفته شده است. (جوهری، ۱۳۸۲: ۱ / ۴۷۸) اربابان لغت، برای اراده معانی مختلفی از جمله: «طلب و اختیار»، (فراهیدی، ۱۴۲۵: ۱۰ / ۷۲۶) «خواست و مشیت»، (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳ / ۱۹۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۷: ۲۵۷) «خواستن، خواسته، میل و قصد کردن»، (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۶۰۵) «خواستن و محبت»، (انیس و دیگران، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۸۱) «قصد و هدف»، (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳ / ۱۸۸) «امر و دستور»، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۰۷) و مرادف «مشیت» (جوهری ۱۳۸۲: ۱ / ۴۷۸) بیان کرده‌اند ولی در مجموع می‌توان گفت: بیشتر لغت‌شناسان اراده را به‌معنای «طلب، اختیار و مشیت» گرفته‌اند. اگرچه میان آنها تفاوت‌هایی وجود دارد.

بنابراین نظر متفکران و اندیشمندان درباره اراده انسانی فراوان و متفاوت است و گاهی در معنای آن خلطی صورت گرفته است به‌گونه‌ای که با سایر قوا، یکسان شمرده شده است. چنان‌که عبدالرزاق لاهیجی معتقد است «اراده، مشیت و اختیار» از هم منفک نیستند. (لاهیجی، ۱۳۶۴: ۴۸) اراده در انسان به‌عنوان یک صفت، با دیگر صفات او «تغایر مفهومی» و «تغایر مصداقی» دارد.

با تأمل در تعریف‌ها و تفسیرهای ارائه شده از اراده در می‌یابیم که بیشتر اندیشمندان، حقیقت و ماهیت آن را به صورت تام بیان نکرده‌اند، بلکه لوازم آن را برشمرده‌اند. تفسیری که در باب ماهیت اراده ارائه شده است در دو سنخ «ادراک» و «کیف نفسانی» دسته‌بندی می‌شود. اشاعره، بیشتر متکلمین و برخی از معتزلیان معتقدند اراده از سنخ ادراک است؛ اما در نوع آن نظرات متفاوتی ارائه می‌دهند. (جرجانی، ۱۳۷۰: ۸۲؛ سمیح دغیم، ۱۹۹۲ م: ۱۹۶؛ عبدالجبار معتزلی، ۱۹۶۵ م: ۶ / ۹ - ۸؛ سبحانی، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۶۶) این گروه حقیقت اراده را مشخص نمی‌سازند، بلکه تنها آن را امری مغایر با علم و قدرت معرفی می‌کنند. بر این دیدگاه اشکالاتی وارد شده است که در جای خود باید بدان پرداخته شود. (ر.ک: ملاصدرا، ۱۴۲۸ ق: ۶ / ۲۸۵)

در فلسفه اسلامی نیز اراده انسانی به عنوان «کیف نفسانی» (مانند درد یا لذت) در نظر گرفته شده است. از آنجا که اراده از اموری است که شخص اراده‌کننده آن را در درون نفس خویش شهود می‌کند، شناخت مصادیق جزئی آن بسیار آسان، اما شناخت ماهیت کلی آن بسیار مشکل است. اراده انسانی، از اقسام کیف نفسانی (کندی، ۱۳۶۹ ق: ۱ / ۱۷۵) خاصی است که مغایر با علم و شوق بوده، (طباطبایی، ۱۴۱۶ ق: ۲۱۳) به نیرویی تعریف می‌شود که به واسطه آن، چیزی مقصود واقع می‌شود و از دیگر امور تمایز می‌یابد. (کندی، ۱۳۶۹ ق: ۱ / ۱۶۸) اراده عنصری درونی است که به میل و خواست انسانی فعلیت بخشیده، (فارابی، ۱۴۲۱ ق: ۵۲) فرد عاقل در وجود خویش آن را می‌یابد و با علم، قدرت، درد و لذت، تفاوت بدیهی دارد. (فخر رازی، ۱۴۱۳ ق: ۲ / ۱۳۷) اراده کردن یک چیز به معنای تصور آن است، بدان گونه که تصور در متصور میلی برانگیزد. (ابن سینا، ۱۴۱۱ ق: ۲۰ - ۱۶) «اراده» عزم راسخی است که پس از تصور و تصدیق به فایده و میل و جزم، پدید می‌آید؛ (سبزواری، ۱۴۱۷: ۳ / ۶۴۷) «اراده» میل و شوق شدید به کسب مراد و جزء اخیر علت تامه بوده (ملاصدرا، ۱۴۲۸ ق: ۸ / ۳۲۳) و از عقل عملی نشئت می‌گیرد. (ملاصدرا، ۱۴۲۸ ق: ۹ / ۲۴۰) به نظر ملاصدرا در بسیاری از موارد، شوق انجام کار با اراده انجام آن هم‌زمان و همراه با یکدیگر درک می‌شوند. در این وضعیت، برای نفس دشوار است که ادراک ماهیت نفسانی خاصی مانند اراده را از ادراک سایر معانی وجدانی، مشخص سازد. به همین دلیل اختلاف شدیدی در تعریف ماهیت کیفیات نفسانی، همچون اراده میان فیلسوفان و متکلمان پدید آمده است. (ر.ک: عمیق، ۱۳۹۲: ۵۴ - ۵۰)

بنابراین می‌توان گفت، از آنجایی که انسان‌ها در اراده خود دارای هدف و انگیزه بیرونی هستند، اراده به چیز معلوم تعلق می‌گیرد تا آن را به وجود آورد. از این رو اراده حالت نفسانی است که پس از آگاهی انسان از کمال بودن فعلی، حالت خاصی مانند شوق به کمال را در آدمی به وجود می‌آورد تا

یکی از دو طرف فعل و ترک (= مراد) ترجیح داده شود. (فتحعلی خانی، ۱۳۹۲: ۹۷)

باید توجه داشت که میان اراده و مفاهیم مشابه آن مانند: میل، شوق، تصمیم، مشیت و اختیار، تفاوت و تشابهاتی وجود دارد، که به دلیل تمرکز به موضوع مورد نظر، بدان پرداخته نمی‌شود. (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۹: ۷۸ - ۶۶؛ مطهری، ۱۳۶۶: ۵۵ - ۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۶ ق: ۲۹۷ - ۲۸۶، رجبی، ۱۳۷۹: ۱۴۰ - ۱۳۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲ / ۹۱؛ همو، ۱۳۶۳: ۴۵۲)

مشیت به معنای خواستن و اراده کردن آمده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱ / ۱۰۳؛ فراهیدی، ۱۴۲۵ ق: ۶ / ۲۹۷) در قرآن کریم سه دسته آیات در موضوع مشیت الهی وجود دارد:

یک. مشیت آدمی تحت مشیت الهی است؛ (بقره / ۱۱۷؛ نحل / ۴۰؛ یس / ۸۲)

دو. مشیت الهی محدود و منحصر به اعمال اختیاری انسان‌هاست؛ (یونس / ۹۹؛ انسان / ۳۰)

سه. اسباب ظاهری در کنار سبب الهی مطرح می‌شود. (انفال / ۱۷)

به اعتقاد ما از این سه دسته از آیات می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اراده، قدرت و اختیار آدمی، در طول اراده و قدرت الهی است و در صورت تحقق افعال اختیاری انسان در جهان خارج، نظام اسباب و مسببات و عوامل مادی طرح می‌شوند. بنابراین اراده و افعال اختیاری انسان، از یک‌سو، به خود وی و از سوی دیگر، به خداوند انتساب دارد. افعال، منسوب به انسان است؛ چون بر اساس قدرت، اراده و تصمیم او انجام می‌پذیرد و منسوب به خداوند است؛ زیرا هستی انسان و تمام آثار وجودی او و از جمله افعال و اراده‌اش، معلول خداوند و وابسته به اوست. از این‌رو انسان مسئول اعمال و رفتار خود است و با اراده الهی هیچ منافاتی ندارد؛ زیرا اراده الهی مطلق است و اراده انسانی محدود و منحصر به اراده آدمی. (دسوقی، ۱۹۹۶ م: ۱ / ۲۳۱) بنابراین می‌توان گفت اراده خداوند به اراده انسان تعلق می‌گیرد نه به مراد انسان. خداوند اراده کرده است که انسان دارای اراده باشد، اما مراد او با اراده خود انسان شکل می‌گیرد. از این‌رو جبر لازم نمی‌آید. پس اصل اینکه ما اراده داشته باشیم، خواست خداوند است؛ اما اینکه اراده ما به چه چیزی تعلق بگیرد، به خود ما انسان‌ها ارتباط دارد. پس اراده آدمی در طول اراده خداست. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۳۷۳)

۲. فرهنگ و تمدن

مراد از فرهنگ عبارت است از:

نوع نگاه آدمی به جهان و انسان و نوع رفتار او در جنبه‌های مختلف فردی،

اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، معیشتی و اقتصادی و ... که هویت مشترک هر جامعه را تشکیل می‌دهد و همچون میراثی، از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌گردد.

واژه تمدن نیز همچون واژه فرهنگ در علوم مختلف، تعاریف مختلفی به خود گرفته است که این تفاوت‌ها برخاسته از ابعاد مختلف تمدنی و از دریچه خاصی است که پژوهشگران به تمدن نگرینسته‌اند. مراد از تمدن، به «مجموعه‌ای از ساختارها و دستاوردهایی گفته می‌شود که در همه جوانب زندگی بشری، بر اساس فرهنگ غالب آن جامعه، پدید آمده باشد». (برگرفته از جزوه درسی استاد دکتر علی بیات)

اراده در قرآن مجید

«راد» و مشتقات آن ۱۳۹ بار در قرآن به‌ویژه در سوره‌های مکی به‌کار رفته است. در قرآن مجید چهار نوع اراده «الهی»، «فطری»، «شیطانی» و «انسانی» به‌کار رفته است.

۱. اراده الهی به دو قسم «اراده تکوینی» و «اراده تشریحی» تقسیم می‌شود. اراده تکوینی (اراده ایجاد کردن) مربوط به قضا و قدر است. این اراده مرادف با «مشیت عامه» الهی است (نحل / ۴۰) و امر و قضا کونی با آن کامل می‌گردد. (حکمی، ۱۴۳۱ ق: ۱ / ۲۳۰؛ ابن قیم، ۲۰۰۸ م: ۴۹۵) ولی در «اراده تشریحی» که به اوامر، نواهی، احکام شرعی، عبادات، معاملات، عقاید، حدود، آداب، محاسن، اخلاق و ... تعلق می‌گیرد، خداوند به انسان‌ها قدرت اراده و اختیار داده و انسان‌ها آزمایش شده و در قیامت بازخواست می‌شوند. بنابراین متعلق اراده تشریحی، افعال اختیاری آدمیان است و برخلاف اراده تکوینی، متعلق آن قابل تغییر است. (الجزائری، ۱۴۲۱ ق: ۲۹۰)

۲. اراده فطری به‌جهت پرستش ذات خداوند در وجود موجودات، نهاده شده است. (اسراء / ۴۴؛ حج / ۱۸؛ ذاریات / ۵۶؛ مریم / ۹۳)

۳. آیات بسیاری بر اراده شیطانی دلالت دارند. (بقره / ۲۶۸؛ نساء / ۶۰؛ مائده / ۹۱؛ اعراف / ۱۷-۱۶) تأثیرگذاری و سوسه‌های شیطانی در صورت مقاومت آدمیان، کم، و در صورت پذیرش یا سستی آنها، فراوان خواهد بود. از این‌رو اراده شیطانی می‌تواند در ساخت و پایایی و پویایی تمدن متعالی یا منحنی، تأثیرگذار باشد.

۴. اراده انسانی به اعمال و رفتار خیر و شر انسانی می‌پردازد. بر اساس این اراده، انسان‌ها در روز قیامت پاسخ‌گو اعمال خود بوده و ثواب و عقاب خواهند داشت. (انفال / ۶۷؛ احزاب / ۲۹ - ۲۸؛ مدثر / ۵۵ - ۵۴)

با نگاهی اجمالی به آن دسته از آیات قرآنی که به بازنمایی موارد اراده‌های امور پسندیده‌ای که

متعلق اراده انسانی قرار گرفته‌اند، آدمی درمی‌یابد که چنانچه اراده انسان‌ها بر امور ذیل قرار گیرد، می‌تواند عملکرد تمدنی خوبی داشته باشد.

برخی از این امور بدین قرار است: پیروی از خدا و رسول؛ (احزاب / ۲۹) انجام تمامی کارها برای خدا، خشنودی او و تقرب به او؛ (انعام / ۵۲؛ کهف / ۲۸؛ انسان / ۹؛ روم / ۳۸ و ۳۹) تلاش برای سعادت اخروی خود، خانواده و جامعه خویش، (آل عمران / ۱۴۵ و ۱۵۲؛ شوری / ۲۰؛ اِسْرَاءُ / ۱۹ - ۱۸) تلاش برای اصلاح و تغییر آنها؛ (بقره / ۲۲۸؛ نساء / ۳۵؛ هود / ۸۴ و ۸۸) درخواست عزت و سرفرازی آنها از خدا؛ (فاطر / ۱۰) عبرت‌گیری از آفرینش آسمان‌ها و زمین؛ (فرقان / ۶۲) شکر و سپاس‌گزاری الهی؛ (فرقان / ۶۲) هدایت انسان‌های گمراه؛ (نساء / ۸۸) پندوانداز دیگران؛ (هود / ۳۴) به فکر دیگران بودن؛ (کهف / ۷۷) در اندیشه ازدواج خود و تزویج دیگران بودن؛ (نساء / ۲۰؛ احزاب / ۵۰؛ قصص / ۲۷) پاسداشت ارزش‌های اخلاقی و توجه به عفت و پاکدامنی. (نور / ۳۳)

از سوی دیگر، با ملاحظه آیات قرآنی، چنانچه اراده انسان‌ها بر امور ذیل قرار گیرد، تمدنی منحط را به یادگار گذاشته که دیر یا زود شاهد از بین رفتنش خواهد بود. بنابراین اراده انسان چه اراده سوء باشد و چه اراده نیک، هردو می‌تواند در ساخت و تحقق تمدن و نیز پایایی و پویایی آن تأثیرگذار باشد.

برخی از این امور را که قرآن بدان اشاره دارد، بدین قرار است: دنیاطلبی؛ (آل عمران / ۱۴۵ و ۱۵۲؛ نساء / ۱۳۴؛ انفال / ۶۷؛ اسراء / ۱۸؛ هود / ۱۵؛ قصص / ۷۹) ایمان به بعضی و کفر به بعضی از آموزه‌های الهی؛ (نساء / ۱۵۰) خاموش کردن نور خدا؛ (توبه / ۳۲؛ صف / ۸) نابودی اسلام و آموزه‌های آن؛ (صف / ۸) نیرنگ و فریب رسول خدا و سایر انبیای الهی؛ (انفال / ۶۲؛ طور / ۴۲؛ انبیاء / ۷۰؛ صافات / ۹۸) خیانت به خدا و رسول؛ (انفال / ۷۱) تفرقه‌اندازی میان خدا و رسول (نساء / ۱۵۰) تا برای خود راه چاره‌ای بیابد؛ (نساء / ۱۵۰) تبدیل، تغییر و تحریف کلام‌الله؛ (فتح / ۱۵) خریداری گمراهی و ضلالت؛ (نساء / ۴۴) گمراه ساختن مؤمنان و انحراف آنان از حق؛ (نساء / ۲۷ و ۴۴؛ بقره / ۹۰ - ۸۹) اصرار بر باطل؛ (ص / ۶) برتری‌جویی و استیلاطلبی؛ (قصص / ۸۳؛ مؤمنون / ۲۴) جلب خشم و غضب پروردگار؛ (طه / ۸۶) بی‌بندوباری؛ (قیامت / ۵) اراده گناه؛ (طه / ۸۶؛ یوسف / ۲۶ - ۲۴) فسق و فجور؛ (قیامه / ۶ - ۱) همجنس‌بازی و انحرافات جنسی؛ (نساء / ۲۷؛ هود / ۷۹ - ۷۸؛ قمر / ۳۷) ارجاع حکمیت به طاغوت؛ (نساء / ۶۰) دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان؛ (آل عمران / ۲۸؛ نساء / ۱۴۴؛ ممتحنه / ۱) ظلم و کج‌رویی؛ (حج / ۲۵) کفر، الحاد و انحراف؛ (بقره / ۱۰۸؛ نساء / ۲۷ و ۱۵۰؛ حج / ۲۵؛ توبه / ۴۶ - ۴۵) استبداد، قتل و غارت؛ (بقره / ۲۵۳؛ قصص / ۱۹ - ۱۵؛ اسراء / ۱۰۳) فرار از جنگ و جهاد در راه خدا؛ (توبه / ۴۶؛ احزاب / ۱۳) اصلاح‌ناپذیری. (قصص / ۱۹؛

ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲ / ۵۴۳ - ۵۳۶؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲: ۲ / ۴۴۸ - ۴۴۶؛ عموری و باوان پوری، ۱۳۹۳: ۵۶ - ۳۱)

مبدأ اراده انسانی

اگر بخواهیم در یک تعریف منطقی برای اراده، جنسی معین کنیم، می‌توانیم بگوئیم که اراده، نوعی قدرت است. (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۴۰۲) منشأ این قدرت، «روح آدمی» است؛ قدرتی که از طریق روح، از جانب خداوند به انسان (حجر / ۲۹) منتقل شده است. (حق جو، ۱۳۷۴: ۳۵)

برخی نیز اراده را نشئت گرفته از امیال فطری و نامحدود انسان‌ها دانسته‌اند. بدین بیان که در انسان امیال و جاذبه‌هایی وجود دارد که منشأ پیدایش اراده و حرکت ارادی می‌شوند و ممکن نیست حرکت ارادی بدون برانگیخته شدن میل طبیعی و فطری انجام پذیرد. این میل‌ها وقتی برانگیخته شود و تشدید یابد و شرایط تحقق آنها فراهم آید، اراده پدیدار می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۶۷؛ هاشمی، ۱۳۸۸: ۶۶؛ موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۴۰۲ و ۴۰۳)

از منظر قرآن «اراده» مسبوق به مبادی و عللی است که سبب تحقق اراده آدمی می‌شود. برای نمونه «وحي الہی» (انبیاء / ۷۳) و «امر الہی» (کهف / ۸۲) مبدأ و منشأ اراده پیامبران خدا، در اراده کارهای نیک و انجام آنها می‌باشد. در آیه ۲۹ سوره نجم «روی گردانی از یاد خدا» سبب می‌شود انسان‌ها فقط زندگی دنیایی را اراده کنند. همچنین بر اساس آیه هفتم سوره حجرات، «محبوبیت ایمان و زینت دادن آن در قلب آدمی» منشأ و سبب ایمان آوردن انسان‌ها به خدا و رسول می‌شود. از دید فلسفی، مبادی اراده سه چیز است:

«تصور»، «تصدیق به فایده یا ضرر» و «شوق به جذب منفعت (شہوت) یا شوق به دفع ضرر (غضب)».

با قوی شدن شوق، اراده تحقق خواهد یافت. درحقیقت، علت غایی، عامل اصلی و محرک واقعی انجام یک کاری، «شوق به فایده آن» است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۳۱)

چگونگی مراحل شکل‌گیری و تحقق یک فعل ارادی

با برانگیختن امیال موافق و غلبه بر امیال معارض، اراده شکل می‌گیرد. برای ظهور و شکل‌گیری اراده و تحقق یک فعل ارادی در جهان خارج، مراحل ذیل لازم است:

۱. در اولین مرحله، فاعل باید تصویری از فعل داشته باشد. یعنی، باید فعلی را که قصد انجام آن را

دارد، بشناسد و حقیقت آن را درک کند؛ چراکه بدون شناخت، نه امکان دستیابی به آن میسر می‌شود و نه انگیزه‌ای برای این کار در انسان پدید می‌آید. (مرحله درک حقیقت و اصل مطلب)

۲. پس از تصور فعل مقصود، به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شود. بدین‌سان باید جوانب فعل مورد بررسی قرار گیرد، تا به واسطه اثبات کمال بودن آن فعل، مورد تصدیق و علاقه آدمی قرار گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۵۱ و ۵۲) این مرحله اهمیت به‌سزایی دارد؛ چراکه اگر کسی درک عمیقی از کمال بودن یک فعل نداشته باشد، حتی اگر اراده انجام آن را نیز داشته باشد، مقاومت او در حفظ اراده کم خواهد بود. (مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک خرد، درایت و فهم آدمی)

۳. پس از دو مرحله قبل، یعنی پس از علم تصویری و علم تصدیقی، از آنجایی که هدف شناخته می‌شود، انگیزه کار تقویت شده و سپس این انگیزه با میل و گرایش پیوند خورده و شوق به فعل و فایده‌های آن در نفس پدید می‌آید و به دنبال آن در صورت وجود قدرت بر انجام فعل و رفع موانع خارجی، تصمیم بر انجام کاری گرفته می‌شود، آنگاه «اراده» برانگیخته می‌شود. در پی اراده، عضلات بدن به منظور انجام فعل به حرکت در می‌آید و فعل در خارج تحقق می‌یابد. (مرحله تصمیم و اقدام)

این مرحله مهم‌ترین نقش را در این پروسه عهده‌دار است. چون تصمیمات گرفته شده، در این مرحله به اجرا در می‌آید. بنابراین باید پس از اخذ تصمیم، بلافاصله نسبت به اجرای آن اقدام شود. (ملاصدرا، ۱۴۲۸ ق: ۶ / ۳۰۰ - ۲۹۹) همچنان که خداوند در قرآن (آل عمران / ۱۵۹) به رسول خدا ﷺ دستور می‌دهد که هرگاه تصمیم جدی بر انجام کاری گرفت، با توکل به خدا، هدف خود را با قاطعیت تمام دنبال کند. (درخصوص مراحل سه‌گانه ر.ک: امامی، ۱۳۸۹: ۵۴؛ فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۲: ۹۸ - ۹۷؛ روحانی و حسینی، ۱۳۸۱: ۳۳؛ برومند، ۱۳۸۰: ۲۲۴؛ موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۹۷ و ۴۱۹؛ هاشمی، ۱۳۸۸: ۶۷ - ۶۶)

بنابراین می‌توان گفت که برای ظهور اراده و تحقق یک فعل ارادی در جهان خارج، باید این مراحل پانزده‌گانه به ترتیب سپری شود:

۱. تصور یک فعل و نتیجه آن؛
۲. شناسایی حقیقت یک فعل و فایده آن (علم حضوری)؛
۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها (علم تصدیقی)؛
۴. شناسایی هدف؛
۵. ایجاد انگیزه و تقویت آن؛
۶. ایجاد میل؛ کشش غریزی و گرایش در نفس آدمی؛
۷. پیوند میان انگیزه و میل و گرایش؛
۸. پدیدار شدن حالت شوق به فعل و تصدیق به فایده در نفس آدمی؛
۹. ایجاد شوق مؤکد؛
۱۰. تصمیم به انجام کار؛
۱۱. وجود قدرت بر انجام کار و رفع موانع خارجی (مقتضی موجود و مانع مفقود)؛
۱۲. برانگیخته شدن

اراده؛ ۱۳. سوق دادن به انجام کاری؛ ۱۴. تحریک و حرکت عضلات بدن توسط قوه محرکه (حرکت قوای ارادی)؛ ۱۵. انجام یا حصول یک فعل یا وقوع کاری در خارج (مراد).

نقش اراده در فعالیت‌های آدمی و چگونگی تأثیر آن بر کنش تمدنی انسان‌ها

۱. حاکمیت اراده الهی بر اراده انسانی

تبیین صحیح کیفیت ارتباط اراده و فعالیت‌های آدمی و سرنوشت او با مشیت الهی همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان جامعه انسانی و از مسائل پیچیده پدیده‌های است. هم‌زمان با ظهور اسلام، تعدادی از آیات قرآنی در تأکید بر این امر نازل شد که مشیت و اراده الهی در نظام آفرینش و از جمله انسان‌ها نافذ بوده به‌گونه‌ای که اراده خداوند بر عالم و حتی بر اعمال اختیاری انسان، حاکمیت دارد. (هود / ۳۴؛ صافات / ۹۸) تا بدانجا که هرگاه به انجام کاری اراده کند، فرمانش اجرا می‌گردد. (بقره / ۱۱۷؛ آل عمران / ۴۷؛ مریم / ۳۵؛ غافر / ۶۸) بنابراین در تمام جهان هستی، تنها یک اراده حاکمیت دارد و آن، اراده خداست که تاریخ بشریت را به جلو می‌برد.

باور به تحقق مشیت الهی در جهان هستی می‌تواند به تقویت اراده انسان‌ها در انجام دستورات الهی نقش بسیار مهمی داشته باشد؛ چراکه اگر انسان‌ها باور داشته باشند که خداوند اختیاردار و حاکم مطلق تمامی جهان هستی است و مقدر فرموده که پیروزی نهایی با فرستادگان الهی و صالحان باشد، به یقین به این نتیجه خواهد رسید که به حزب خدا بپیوندد و با اطاعت از رسولان الهی هم در این دنیا به آبادانی و اصلاح جامعه خواهد پرداخت و هم در آخرت به رستگاری دست خواهد یافت. (مائده / ۵۶؛ صافات / ۱۷۳)

بنابراین اراده انسانی در سطوح و ابعاد مختلف، در طول ربوبیت، فاعلیت و ولایت‌تکوینی خداوند قرار دارد. هرچه انسان‌ها بخواهند و اراده کنند، خداوند نیز به همان نسبت عنایت می‌کند و این‌گونه نیست که در تغییر جوامع انسانی فقط منحصر به اراده خدا باشیم. بدین‌صورت که خداوند در جریان کارهای جهان طبق یک برنامه و طرح قبلی و غیرقابل تخلف، نقش‌آفرین است. ولی از سوی دیگر، خداوند به انسان‌ها اراده داده است تا از جبر طبیعت، محیط، سرشت و سرنوشت رها باشد، زیرا خصلت اساسی و ویژه آدمی، نیروی اراده و حاکمیت انسان بر نفس خویش است.

از آنجایی که انسان‌ها باید از میان چند راه یکی را برگزینند، انتخاب یکی از آنها به فکر و اراده او مربوط است، یعنی شخصیت و صفات اخلاقی و روحی و سوابق تربیتی و موروثی و میزان عقل و

دوراندیشی و خودآگاهی آدمی و طرز فکر و انتخاب آدمی است که یک راه خاص را معین می‌کند. (فقیهی، صالحی و نجفی، ۱۳۹۴: ۷۵۷ - ۷۵۶) در چنین صورتی است که ناامیدی و سکون از زندگی او رخت برمی‌بندد و روح نشاط و تلاش در زندگی او حکم‌فرما می‌شود. این مسئله خود منشأ تحرک و پویایی در جوامع و اطرافیان خود می‌گردد و جوامع متمدن به پویایی دست می‌یابند.

اراده انسانی در کنار عقل، شرایط و مقدرات عینی و طبیعی خدادادی و انجام افعال و کردار آدمی دائماً از فیض الهی مدد می‌گیرد. انسان با اراده و اختیاری که دارد می‌تواند یکی از این دو کار را انجام دهد:

با عقل، اراده، قدرت انتخاب و توانایی انجام فعالیت‌ها، ولایت خدای متعال را بپذیرد و در برابر قوانین الهی سر فرود آورد و هماهنگ با فطرتش به انجام کارهای ارزشی و معنوی اقدام نماید که در این صورت در مسیر هدف غایی آفرینش گام خواهد برداشت یا می‌تواند کبر ورزد و به راهنمایی عقل و وحی توجه نکند و به پیروی از اولیای طاغوت و برخلاف ارزش‌ها و اخلاق اجتماعی رفتار کند و مسیر شقاوت و پستی را طی نماید. (ر.ک: اکبرنژاد و توحیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۶ - ۱۲۹؛ فقیهی، صالحی و نجفی ۱۳۹۴: ۷۶۱ - ۷۵۵)

۲. تقویت خودسازی، دیگرسازی و توانمندسازی

با توجه به ارتباط اراده انسان‌ها با مشیت الهی، «اراده» عنصر مهم و مؤثری در رسیدن به کمال و سعادت واقعی انسان‌ها شمرده می‌شود و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز برای پرورش و تقویت آن تلاش می‌کردند؛ چراکه اراده انسان‌ها جزء لشکریان عقل بوده که با تکامل عقل، اراده انسان‌ها نیز توانمند می‌گردد. در صورت تقویت اراده‌ها، انسان‌ها می‌توانند کارهای خارق‌العاده‌ای انجام دهند. در چنین حالتی انسان‌های الهی و وارسته‌ای در جامعه پدیدار می‌گردند که می‌توانند در ساخت، دوام و استمرار تمدن تأثیرگذار و کارآمد باشند. چنانچه قدرت اراده به حد نهایی خود برسد می‌تواند، ایجادگر، انتقال دهنده و آگاهی بخش باشد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت اینکه انسان‌ها از نظر «قدرت اعمال اختیار و اراده» در یک سطح قرار ندارند. برخی آدمیان از اراده‌ای قوی و بعضی از اراده‌ای ضعیف برخوردارند.

در جهت ایجاد و تحقق تمدن اسلامی، قبول مسئولیت «خودسازی»، «دیگرسازی» و «توانمندسازی» را باید در افراد جامعه پرورش داد. انسان‌ها می‌توانند با پرورش فکر و اندیشه خویش بدان وسعت بخشیده، و به فکر پیشرفت جامعه تمدنی و درنهایت جهان‌ هستی بیندیشند. درحقیقت

انسان‌ها با هر انتخابی خود را می‌سازند و تکلیف و مسئولیت خود را در قبال خویش و خدای خویش در آفرینش انجام می‌دهند؛ زیرا خداوند انسان‌ها را با اراده و اختیار آفریده است تا بتوانند به‌عنوان خلیفه خدا در جهان هستی، اعمال خلافت نمایند و در مقام ربوبیت عبودی، هستی را به کمال لایق برسانند. (هاشمی شهیدی، ۱۳۹۲: ۲۰۸؛ مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۸: ۱۴، ۱۵ و ۱۶۲)

۳. تغییر در سرنوشت فردی و جمعی انسان‌ها

در آموزه‌های اسلامی بر اراده انسانی به‌عنوان عامل اصلی تغییر و تحول جامعه تأکید فراوان شده است. به‌گونه‌ای که اراده انسان مهم‌ترین نقش‌آفرینی را در ساخت، پویایی تمدن دارد؛ چراکه این اراده و تلاش آدمی است که در سرنوشت فردی و جمعی انسان‌ها و جوامع و تمدن‌ها تأثیرگذار است. تحول در جامعه زیست انسانی، منوط به تغییر آدمی دانسته شده است.

تغییر در انسان به‌معنای تغییر در امور روحی، امور ذهنی و امور جسمی اوست که به‌تبع، تغییر در رفتارهای سه‌گانه قلبی، عقلی و رفتاری وی پدید می‌آید. رشد و بالندگی انسان تابع رشد هماهنگ و متناسب امور روحی، ذهنی و جسمی بوده و افزایش یا کاهش توان او به افزایش یا کاهش توان روحی، ذهنی و جسمی او بر می‌گردد و این تغییرات، تابع جهت خاصی است که اختیار نموده است. اگر این جهت در راستای انتخاب «تقوا» باشد، نتیجه‌اش «کرامت رفتار» و پایایی و پویایی جامعه تمدن اسلامی و چنانچه در راستای انتخاب «هوا» باشد، نتیجه‌اش «کراهت رفتار» و انحطاط جوامع تمدنی خواهد بود. (ر.ک: امیری، ۱۳۸۶: ۱۸۳ - ۱۸۲)

بر اساس آموزه‌های اسلامی، نه‌تنها اراده به‌عنوان مهم‌ترین عامل انسانی در زمینه‌سازی تمدن اسلامی مؤثر دانسته شده است، در کارآمدسازی دیگر عوامل انسانی و بهره‌مندی از عوامل طبیعی نیز، نقش آفرین است. بدین معنا که هرکس دست به انتخابی زند نه‌تنها می‌تواند سرنوشت خویش را تغییر دهد بلکه تأثیرات شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی آدمی برجای گذارد که نمونه بارز تاریخی آن را می‌توان در جریان سقیفه نشان داد که چگونه آثار خود را تا نسل‌های بعد برجای گذاشته است و امت اسلامی را در ورطه‌ای از هبوط و سقوط قرار داده و دست‌کم اختلافات جدی در امت پیامبر خاتم پدید آورده است. از این‌رو برخی اندیشمندان و نویسندگان از مسئله سقیفه به فتنه کبری و منبع اختلافات یاد می‌کنند. بی‌گمان شهادت امامان معصوم علیهم‌السلام، جریان عاشورا و شهادت بسیاری از مردمان وارسته و ده‌ها مسئله دیگر، همگی ریشه در سقیفه و اراده و انتخاب گروهی اندک در روز سقیفه دارد.

بنابراین بر اساس آموزه‌های قرآنی، انتخاب‌گری هدایت یا ضلالت، صعود به اوج عظمت و سقوط به نهایت ذلت و خواری و نیز برخورداری از نعمت و برکت یا عذاب و مشقت، مختص انسان‌ها بوده (دهر / ۳؛ رعد / ۱۱؛ عنکبوت / ۴۰) و تمایل انسان‌ها از حالت اعتدال به نهایت پستی (اعراف / ۱۷۹) و یا خلیفه‌اللهی، (بقره / ۳۰) فقط ناشی از کیفیت بهره‌برداری از غرایز و نیروی نظارت و تسلط «من» آدمی است که این‌همه مدیون اراده آدمی است نه به خدا مربوط است و نه به طبیعت. بنابراین توانایی انسان برای صعود به بالاترین حد کمال و سعادت و نیز امکان سقوط وی تا پست‌ترین جایگاه، و ارتکاب رذیلانه‌ترین افعال، ناشی از حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش است.

اگرچه نباید غفلت داشت که تحول جوامع انسانی به تحول افراد و گروه‌های آن جامعه از طریق اراده و ایفای نقش آنان در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... تمدن، انجام می‌شود. قرآن کریم هرگز انسان‌ها را در سرنوشت خود بی‌تأثیر نمی‌داند و از آنها می‌خواهد برای تغییر سرنوشت و وضعیت خود به‌گونه‌ای مؤثر در صحنه زندگی حضور یابند. (انفال / ۵۳؛ رعد / ۱۱) درحقیقت، خدا اوضاع و احوالی را که در یک قوم وجود دارد و مربوط به روح، فکر، اندیشه، اخلاق و اعمال آنهاست، تغییر نمی‌دهد تا آنان سرنوشت و حال خود را تغییر دهند. بنابراین اگر خداوند قوم‌هایی را به عزت می‌رساند و یا از اوج عزت، به خاک ذلت فرود می‌نشانند، به این دلیل است که آن اقوام آنچه که مربوط به خودشان است را تغییر دادند.

البته منافاتی میان آن دسته از آیاتی که همه‌چیز را به اراده خدا پیوند می‌زند و تمامی تغییرات بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه به‌دست خود را یادآور می‌شود (آل عمران / ۲۶) با آیاتی که بیان می‌دارند مردم تا زمانی که خود در سرنوشت خویش تغییر ایجاد نکنند، او سرنوشت آنها را تغییر نخواهد داد، (انفال / ۵۳؛ رعد / ۱۱) وجود ندارد؛ زیرا هرگونه تغییر و تحول از سوی خداوند نیازمند زمینه‌سازی و مقدماتی است که در اختیار آدمی است و تا آن مقدمات تحقق نیابد، اراده خداوند به تحقق تغییر تعلق نخواهد گرفت. از این رو خداوند می‌فرماید: عزت و ذلت فقط به‌دست اوست (آل عمران / ۲۶) و می‌فرماید: ما عزت و ذلت را بر اساس سنت قطعی تخلف‌ناپذیر و از روی قانون خدایی انجام می‌دهیم و نگاه می‌کنیم به اوضاع و احوال روحی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی مردم و به هرچه که در حوزه اختیار و اعمال خود مردم است و تا زمانی که خوبند، به آنها عزت می‌دهیم و زمانی که خودشان را تغییر دادند، ما هم آنچه را که به آنها دادیم، تغییر می‌دهیم. (انفال / ۵۳؛ رعد / ۱۱) بنابراین آنچه که خدای حکیم انجام می‌دهد، تابع جریان‌های منظم و سنت قطعی تخلف‌ناپذیر است.

باور به لزوم تغییر + اقدام عملی در جهت تغییر + اراده تحقق تغییر از سوی خداوند = تحقق تغییر. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۷ - ۱۶)

طبیعی است در صورت تغییر در خویش، غفلت، بی‌حرکتی و بی‌ایمانی که نتیجه بی‌همتی مردمان یک جامعه است، در جامعه راه نمی‌یابد. فرهنگ توحیدی با نگاهی الهی و ماورایی توأم با ایمان به خدا، از مردم می‌خواهد با بینشی علمی (روم / ۵۶) و کسب تجربه از سرگذشت پیشینیان و تأمل در آثار آنان (روم / ۵۰) با تقرب به خدا به وسیله نماز و عبادت (طه / ۱۴) و به کار بستن تقوا و شکیبایی و صبر (روم / ۶۰) مراحل رشد و تکامل را یکی، پس از دیگری طی کنند و برای بقای حیات اجتماعی خویش تلاش کنند. (جان احمدی، ۱۳۹۲: ۶۳ - ۶۲)

همان‌گونه که گذشت، خداوند در آیاتی (انفال / ۵۳؛ رعد / ۱۱) به توانایی انسان برای تغییر سرنوشت و دگرگون‌سازی آن به سوی بد و خوب اشاره می‌کند. از سوی دیگر، در آیاتی چند (آل عمران / ۱۱۷، ۱۶۵ و ۱۸۲؛ انعام / ۱۰۶ و ۱۰۷) بدفرجامی انسان‌ها در دنیا و آخرت را مستند به سوءاختیار و انتخاب بد آنان می‌کند و کسانی را که مسئول مشکلات و گرفتاری‌ها را نه خود که خداوند برمی‌شمارند، سرزنش می‌کند. درحقیقت بر اساس آموزه‌های قرآنی به‌جرات می‌توان گفت که تمامی گمراهی‌ها و انحرافات انسان‌ها و به‌تبع آن گروه‌ها و جوامع انسانی و بلکه نسل‌های آینده و نیز خوشبختی و بدبختی همگانی در این‌گونه انتخاب‌ها رقم می‌خورد. آیات بسیاری (آل عمران / ۱۰۸؛ ابراهیم / ۲۱ و ۲۲) این معنا را به‌شکل گزارش‌هایی از اقوام گذشته توصیف و تبیین کرده است.

آیات قرآن کریم (اعراف / ۹۶؛ انفال / ۵۳؛ قمر / ۴۲) گواه آن است که تغییر، در بین هر امتی، مستلزم ایمان و اعتقاد مردم آن ملت و نوع رفتار آنان بوده است. مانند برداشته شدن عذاب از قوم حضرت یونس به‌دلیل تغییر رفتار آنها. (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۲۲) طبیعی است تغییر و تحول اجتماعی از تغییر در افراد اجتماع ریشه می‌گیرد؛ یعنی خاستگاه هر تغییری در اجتماع، تغییر افراد آن اجتماع است. بنابراین، چنین تغییری زمانی رخ خواهد داد که اکثریت افراد فعال آن اجتماع به تحول در اجتماع معتقد باشند و در راستای تحقق آن اقدام عملی انجام دهند. (عرفان، ۱۳۹۳: ۲۰۷)

۴. اراده به‌عنوان یک حق و مسئولیت اجتماعی

همان‌گونه که انتخاب و اراده برای انسان می‌تواند به‌عنوان یک حق در نظر گرفته شود، می‌تواند برای وی یک مسئولیت و تکلیف نیز به‌شمار رود. دراین صورت بازخواست، و پاداش و کیفر برای آدمی، امری طبیعی خواهد بود. بنابراین کسانی که با اراده خود دست به انتخاب می‌زنند هم به حق

خویش دست یافته‌اند و هم آنکه به مسئولیت انسانی خود به‌عنوان خلیفه الهی عمل کرده‌اند. بنابراین کسی که انتخابش درست باشد، درحقیقت خود را به درستی تهذیب کرده و بستر مناسبی نیز برای رشد اجتماعی خود و دیگران و درنهایت جامعه و تمدن خویش فراهم آورده است و اگر در این میان انتخاب شایسته‌ای نداشته باشد، در سقوط فردی و جمعی گام گذاشته و جامعه تمدنی خود را به انحطاط سوق می‌دهد. (ر.ک: رحمت‌زاده، بازیابی تاریخ ۱/ ۷/ ۱۳۹۷، با دخل و تصرف)

اگر انسان‌ها بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن به‌عنوان راهنمای بیرونی، و عقل به‌عنوان راهنمای درونی عمل کنند می‌توانند امید داشته باشند که همه اسما جلالی و یا جمالی خدا را به‌شکل درست فعلیت بخشیده و خدایی شوند. در این حال، در مقام ربوبیت عبودی می‌توانند در نقش خلافت ظاهر شده و دیگران را به کمال لایق و شایسته خود برسانند.

۵. تأثیر اراده و ولایت‌پذیری خدا در ساخت تمدن

در قرآن مجید ماده تولی ۲۳۳ مرتبه و ماده تبری و مشتقاتش در ۱۶ آیه به‌کار رفته است. (حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۵۷) «تولی و تبری» نقش مستقیمی در اعمال و رفتار انسان‌ها و رسیدن به کمال و سعادت واقعی دارد. چنانچه این آموزه اسلامی در سیاست اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... به‌کار گرفته شود، می‌تواند مسائل اجتماعی مسلمانان را سامان دهد و بسیاری از گرفتاری‌های اجتماعی آنها را اصلاح کند. از این‌رو این آموزه در متون قرآنی تأکید شده است. نمونه بارز تولی و تبری را می‌توان در قیام عاشورا مشاهده کرد. چنانچه مسلمانان بتوانند فرهنگ عاشورایی را در جامعه پیاده‌سازی کنند و بدان عینیت ببخشند، می‌توانند تمدن مورد نظر خدا و رسول را در جامعه ایجاد و سبب پایایی و پویایی آن گردند. آدمی با تولی و ولایت‌پذیری خدا و رسول، با خوبی‌ها، پیشرفت‌ها، عقلانیت‌ها، عواطف عالی انسانی و خوشبختی‌ها و در مجموع تمامی خوبی‌ها و ارزش‌ها رابطه برقرار کرده و تن در گرو خدا و اولیای الهی و دستورات آنها می‌دهد. از سوی دیگر با تبری، از طاغوت و ضد ارزش‌های انسانی بیزاری می‌جوید و با آنها رابطه برقرار نمی‌سازد. در چنین وضعیتی است که انسان‌ها سعی می‌کنند در جامعه نقش‌آفرین باشند و به اصلاح و تغییر جامعه تمدنی خویش بپردازند و بدین‌سان سبب پایایی و شکوفایی تمدن گردند.

نتیجه

در جمع‌بندی و نتایج بحث پیش‌رو می‌توان گفت:

۱. تفاسیری که در باب ماهیت اراده ارائه شده است در دو سنخ «ادراک» و «کیف نفسانی»

دسته‌بندی می‌شود. بر دیدگاه اول اشکالاتی وارد است. اراده حالت نفسانی است که پس از آگاهی انسان از کمال بودن فعلی، حالت خاصی مانند شوق به کمال را در آدمی به وجود آورد تا از او فعل مخصوصی (= مراد) صادر شود.

۲. با توجه به ارتباط اراده انسان‌ها با مشیت الهی، «اراده» عنصر مهمی در رسیدن انسان‌ها به سعادت واقعی شمرده می‌شود. از این رو ائمه معصومین علیهم‌السلام تلاش می‌کردند به پرورش و تقویت آن بپردازند. در صورت تقویت اراده‌ها، انسان‌ها می‌توانند، ایجادگر، انتقال‌دهنده و آگاهی‌بخش باشند و بدین‌سان در ساخت، دوام و استمرار تمدن تأثیرگذار و کارآمد باشند. در قرآن سه دسته آیات در موضوع مشیت الهی یافت می‌شود.

۳. فرهنگ، عبارت است از: نوع نگاه آدمی به جهان و انسان و نوع رفتار او در جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، معیشتی و اقتصادی و ... که هویت مشترک هر جامعه را تشکیل می‌دهد و همچون میراثی، از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود.

۴. تمدن به مجموعه‌ای از ساختارها و دستاوردهایی گفته می‌شود که در همه جوانب زندگی بشری، بر اساس فرهنگ غالب آن جامعه، پدید آمده باشد. برای نمونه تمدن اسلامی بر اساس فرهنگ اسلامی پدید آمده است.

۵. در قرآن چهار نوع اراده به کار رفته است که شامل اراده «الهی»، «فطری»، «شیطانی» و «انسانی» است. اراده انسانی به اعمال و رفتار انسانی می‌پردازد و در روز قیامت باید پاسخگو باشد.

۶. برای ظهور و شکل‌گیری اراده و درنهایت تحقق یک فعل ارادی در جهان خارج، مراحل سه‌گانه «درک حقیقت و اصل مطلب»، «تجزیه و تحلیل داده‌ها» و «مرحله تصمیم و اقدام» ضرورت دارد.

۷. در جهت ساخت و تحقق عملکرد تمدنی، قبول مسئولیت «خودسازی»، «دیگرسازی» و «توانمندسازی» را باید در افراد جامعه پرورش داد. با پرورش فکر و اندیشه، پیشرفت جامعه تمدنی و درنهایت جهان‌هستی رخ می‌دهد. و افراد جامعه تکلیف و مسئولیت خود را در قبال خود و خدای خویش انجام می‌دهند. انتخاب و اراده برای انسان هم حق و هم به‌عنوان یک مسئولیت و تکلیف به‌شمار می‌رود. از این رو بازخواست، پاداش و کیفر انسان‌ها، امری طبیعی خواهد بود.

۸. اراده انسان، مهم‌ترین نقش‌آفرینی را در ساخت، پایایی و پویایی تمدن دارد؛ چراکه این اراده و تلاش آدمی است که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی آدمی و جوامع تمدنی تأثیرات شگرفی داشته باشد. تحول در جامعه زیست انسانی، منوط به تغییر

آدمی در سه ساحت روحی، ذهنی و جسمی است. این تغییرات، تابع جهت خاصی است که انسان‌ها اختیار نموده‌اند. اگر این جهت در راستای انتخاب «تقوا» باشد، نتیجه‌اش «کرامت رفتار» و پایایی و پویایی جامعه تمدنی و چنانچه در راستای انتخاب «هوا» باشد، نتیجه‌اش «کراهت رفتار» و انحطاط جوامع تمدنی خواهد بود.

۹. بر اساس آموزه‌های اسلامی، نه تنها اراده به‌عنوان مهم‌ترین عامل انسانی در شکل‌گیری تمدن مؤثر دانسته شده است، در کارآمدسازی دیگر عوامل انسانی و بهره‌مندی از عوامل طبیعی نیز نقش‌آفرین است. انتخاب‌گری هدایت یا ضلالت، صعود به اوج عظمت و سقوط به نهایت ذلت و خواری و نیز برخورداری از نعمت و برکت یا عذاب و مشقت، ناشی از حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و چگونگی کیفیت بهره‌برداری از غرایز و نیروی نظارت و تسلط «مَن» آدمی است.

۱۰. آموزه «تولی و تبری» چنانچه در مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به کار گرفته شود، نقش مستقیمی در اعمال و رفتار انسان‌ها و رسیدن به کمال واقعی آدمی برعهده خواهد داشت؛ چراکه بسیاری از مسائل و گرفتاری‌های جامعه تمدنی اصلاح می‌شود. آدمی با ولایت‌پذیری خدا و رسول، با تمامی خوبی‌ها و ارزش‌ها رابطه برقرار کرده و تن در گرو خدا و اولیای الهی می‌دهد. در چنین وضعیتی انسان‌ها سعی می‌کنند در جامعه نقش‌آفرین باشند و به اصلاح و تغییر جامعه تمدنی خویش بپردازند و بدین‌سان سبب پایایی و شکوفایی تمدن گردند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.
۲. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *التعلیقات*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن‌قیم الجوزیه الحنبلی، محمد، ۲۰۰۸ م، *شفاء العلیل فی المسائل القضاء و القدر و الحکمه و التعلیل*، الرياض، دارالصمیعی.
۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع و دار صادر.
۵. اکبرنژاد، مهدی و فرح توحیدی، ۱۳۹۶، «واکاوی رابطه مشیت الهی و اراده انسان در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ سوره کهف»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ش یازدهم.
۶. امامی، محمدجعفر، ۱۳۸۹، *بهترین راه غلبه بر نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها*، قم، نسل جوان.

۷. امیری، علی نقی، ۱۳۸۶، «اختیار و کرامت انسانی»، *اصول و مبانی کرامت انسان*، ج ۱، تهران، چاپ و نشر عروج.
۸. انیس، ابراهیم و دیگران، ۱۳۸۶، *فرهنگ المعجم الوسیط*، مترجم محمد بندرریگی، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی.
۹. برومند، سید مهدی، ۱۳۸۰، *شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت*، رشت، کتاب مین.
۱۰. سبزواری، هادی، ۱۴۱۷، *شرح المنظومه السبزواری*، به کوشش حسن حسن‌زاده، تهران، ناب.
۱۱. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۹۲، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۲. جرجانی، سیدشریف، ۱۳۷۰، *شرح المواقف*، قم، منشورات الشریف الرضی.
۱۳. الجزائری، ابوبکر جابر، ۱۴۲۱ ق، *عقیده المؤمن*، القاهرة، دارالسلام.
۱۴. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۹، *جبر و اختیار*، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار اسلامی.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۸۲، *تاج اللغة*، تحقیق عبدالسلام هارون، تهران، مؤسسه الصادق.
۱۶. حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۷۵، *دایره المعارف تشیع*، تهران، شهید سعید محبی.
۱۷. حق جو، محمدحسین، ۱۳۷۴، *روش‌های بالندگی و شکوفایی اراده*، قم، انتشارات قدس.
۱۸. حکمی، حافظ، ۱۴۳۱ ق، *معارج القبول: شرح سلم الاصول الی علم الاصول*، ج ۱، الرياض، المكتبه العصریه.
۱۹. دسوقی، فاروق احمد، ۱۹۹۶ م، *القضاء و القدر فی الاسلام*، ج ۱، القاهرة، دار الاعتصام.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، به کوشش محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق و بیروت، دارالقلم و الدار الشامیه.
۲۲. رجبی، محمود، ۱۳۷۹، *انسان‌شناسی (سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی)*، ویرایش سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. روحانی، طاهره و حلیمه حسینی، ۱۳۸۱، *آزادی اراده انسان در کلام اسلامی*، قم، مرکز جهان علوم اسلام.
۲۴. سبحانی‌نیا، محمدتقی، ۱۳۸۸، «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور»، *فصلنامه مشرق موعود*، دوره ۳، ش ۱۱.

۲۵. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۴، *الالهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل*، ج ۱، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۶. سمیح دغیم، ۱۹۹۲ م، *فلسفه القدر فی فکر المعتزله*، بیروت، دار الفکر اللبنانی.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۶ ق، *نهایه الحکمه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه التابعه لجماعه المدرسین.
۲۸. عبدالجبار معتزلی، ۱۹۶۵ م، *المغنی فی أبواب التوحید و العدل*، بتحقیق جورج قنواتی، ج ۶، قاهره، الدار المصریه.
۲۹. عرفان، امیرمحسن، ۱۳۹۳، *نقش باوردداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.
۳۰. عموری، نعیم و مسعود باوان پوری، ۱۳۹۳، «تبیین و بررسی اراده و انواع آن در قرآن کریم با تکیه بر اراده انسانی»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، دوره ۵، ش ۱۷.
۳۱. عمیق، محسن، ۱۳۹۲، «کاوشی در حقیقت اراده انسان»، *انسان پژوهی دینی*، دوره ۱۰، ش ۳۰.
۳۲. فارابی، محمد، ۱۴۲۱ ق، *آراء اهل المدینه الفاضله*، بیروت، دار المکتبه الهلال.
۳۳. فتحعلی خانی، محمد، ۱۳۹۲، *آموزه‌های بنیادین علم اخلاق*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۳۴. الفراهیدی، الخلیل بن احمد، ۱۴۲۵ ق، *العین*، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامری، تصحیح اسعد الطیب، قم، المطبعه الاسوه.
۳۵. فقیهی، علی نقی، لیلا صالحی و حسن نجفی، ۱۳۹۴، «بررسی تحلیلی نقش اراده انسانی در ساخت و تحقق تمدن نوین اسلامی»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شاهد.
۳۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *قاموس المحيط*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۷. کندی، یعقوب، ۱۳۶۹ ق، *رسائل*، ج ۱، قاهره، دار الفکر العربی العام.
۳۸. لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۶۴، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، تصحیح صادق لاریجانی، تهران، الزهراء.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۳، *تعلیق علی نهایه الحکمه*، قم، مؤسسه در راه حق.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، *معارف قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، *آموزش فلسفه*، ج ۲، تهران، امیرکبیر.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۱، *به سوی خودسازی*، نگارش کریم سبحان، قم، مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی علیه السلام.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *جهان‌شناسی*، تحقیق، تصحیح و بازنگاری حمید آریان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا.
۴۵. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۴۲۸ ق، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، ج ۴، ۶ و ۸، قم، طلیعه نور.
۴۶. موسوی لاری، سیدمجتبی، ۱۳۸۶، *رسالت اخلاق در تکامل انسان*، ویراست دوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، *فرهنگ قرآن؛ کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم*، ج ۲، قم، بوستان کتاب قم.
۴۸. هاشمی شهیدی، اسداله، ۱۳۹۲، *ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل اسلامی*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۴۹. هاشمی، انسیه سادات، ۱۳۸۸، «نقش اراده در کمال» (قسمت اول)، *نامه جامعه*، مرداد ۸۸، ش ۵۹.

